

مروری بر هویت شهرهای ایرانی حریم خلیج فارس و صدور شاخص‌های آن به کشورها و شهرهای مجاور

محمد هادی عرفان

کارشناس ارشد معماری و مدرس دانشگاه

مقدمه

شهرهای ایرانی به عنوان یکی از پیشگامان فضاهاى مدنى در تاريخ مى‌درخشند و البته در حوزه حریم خلیج فارس شاهد حضور دیرپا و شکوهمند شهرهای پارسی هستیم . تمدن بشکوه عیلامی و شهرهای بزرگ آن و نخستین ردپاهای مدل شهر ایرانی درخلق شهر عیلامی به محوریت شهر مقدس تمس و زیگورات چغازنبیل و تناسب هوشمندانه آن با محورهای جغرافیایی و تعدد دروازه ها و رسیدن به الگوی کهندژ- شارسرستان- ربض از ویژگیهای شهر ایرانی است که در گستره ای به پهنای تاریخ و عمق جغرافیا گسترده شده است.

این تحقیق برآن است تا در مقالی هرچند فشرده مروری اجمالی به عناصر شهری شهر ایرانی و صدور این عناصر و شناسه های شهری به تاریخ و جغرافیای فرادست و دور دست بپردازد.



- ۱- در حوزه جغرافیای سرزمینی: شهرهای کهن ساحلی مانند سیراف از یک سو و نشانه‌های متمایز از حضور شار ایرانی در سرزمینهای دور دست - از جمله قاره آفریقا - و به صورتی ویژه شهرشیراز در زنگبار از موارد مورد مطالعه در این تحقیق خواهد بود.
- ۲- در حوزه تاریخ نیز تأثیرپذیری شهرسازی در دوره بنی عباس از بغداد تا ... از مدل شهرسازی ایرانی کاویده و گزارش آن ارائه خواهد شد.

ایجاد شهرهای ایرانی، تاریخ و تطور

کاوشهای باستان‌شناسی دال بر وجود نقاط سکونت در سراسر ایران بزرگ است. تورنگ تپه، یاریم تپه و شاه تپه در شمال مرکزی، مزدوران در شمال شرقی، یانیک تپه، دینخواه تپه و حسنلو در شمال غربی، شهرسوخته، تل ابلیس و تل یحیی در شرق مرکزی، خوراب و بمپور در جنوب شرقی، سیلک در مرکز جغرافیایی، تل نخودی، تل تیموران، تل قلعه و تل کفتری در جنوب غربی و چغاسبز، قلعه نثار، سرخ دم، سه گایی و باباجان و ... در غرب مرکزی^۱ و دهها نقطه و تپه و تل تاریخی نشان‌دهنده وسعت سکونت در فلات ایران در هزاره پنجم، چهارم، سوم و ... است و این یعنی پیشینه‌ای حدوداً ۷۰۰۰ ساله. این نقاط تاریخی اندک اندک تبدیل به فرهنگ شد مانند فرهنگ سگزاباد و گیان و شوگا و از هزاره سوم ق.م به بعد شاهد به وجود آمدن شهر، شهرنشینی و استقرار دولت هستیم. از شهرهای ایلامی می‌توان تنها در حد نام‌هایی در تاریخ و مکانهایی بسیار ویران یاد کرد. شوش، هوهنوری (huhnuri)، هیدلو (hidalu/i) و لیان (liyan) - یا همان بوشهر - از جمله شهرهای ایلامی اند.^۲

با تشکیل دولت ماد شاهد مقطعی تاریخی از آرامش هستیم. پایانی بر خونریزیهای قدرت‌طلبانه و تمایلی به همگرایی باعث تشکیل ماد شد. شهرهای مادی با قلعه‌سازی و شهرسازی‌اش متمایز می‌شود. قلعه - شهر، با صبغه غالب دفاعی از مهمترین ویژگیهای دوره مادهاست. از شهرهای مشهور مادی پایتخت آن هگمتانه است.



از شهرهای دوره هخامنشی می‌توان به احتمال قوی به هرات، کابل، پیشاور، و به‌طور قطع به تخت جمشید و پاسارگاد اشاره کرد. اما رد پای دولت هخامنشی را می‌توان در سرزمینهای دورتر هم دید. کوروپولیس و مرکند در ایالت سغد، از جمله این شهرها هستند.^۳

از پایتختهای اشکانی نیز شهرهای نسا در نزدیک عشق آباد و دارا در ناحیه ابیورد قابل اشاره‌اند. از شهرهای ساسانی می‌توان به نه (نهبندان) و کاین(قاین)، ابرشهر(نیشابور)، در خراسان، سیرگان، بم، و جیرفت در کرمان، سیراف و لیان در حاشیه خلیج فارس، اردشیرخوره، دارابگرد، گور و پسا در فارس، شاپور، رهشت آباد اردشیر، گندی شاپور، شاپورخواست و قصر شیرین در خوزستان امروزی، اشاره کرد. گاه تا قریب به ۳۷ شهر ساسانی در کتب تاریخی مورد اشاره واقع شده است.^۴

با ورود اسلام به ایران، ساختارهای طبقاتی در فرهنگ ایرانی دچار تحولاتی اساسی شد و به تبع آن ساختارهای شهری نیز دچار دگردیسی گردید. شهرهای نوظهور مسلمان‌نشین از اسپانیا تا اندونزی ایجاد شد. قرطبه، طلیطله، فسطاط، کوفه، بصره، واسط، و از همه مهمتر بغداد شهرهای نوظهور قرن اول و دوم هجری‌اند. موج مدنیت نوین مسلمانان باعث شد تا بعدها شهرهای دیگری در اقصی نقاط ایران بزرگ و یا فراتر از آن در حوزه نفوذ فرهنگ ایرانی در قاره کهن آسیا و آفریقا هم به‌وجود بیاید. از جمله کاشغر در چین مسلمان‌نشین و شیراز در جزیره زنگبار.

«معماری در ایران بیش از ۶۰۰۰ سال تاریخ پیوسته دارد، دست کم از ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد، تا به امروز، با نمونه‌های اختصاصی که در ناحیه پهنای از سوریه تا شمال هند و مرزهای چین، قفقاز تا زنگبار پراکنده است. بناهای ایرانی متنوع است، از کلبه‌های دهقانی، قهوه‌خانه‌ها، کوشک‌ها تا زیباترین و شاهانه‌ترین ساختمان‌هایی که جهان به خود دیده، بگذریم از برخی پل‌های عظیم و باشکوه. سیمای متمایز معماری ایران در طول تاریخ شکل‌های ساده و موقری با آرایش‌های غنی است. معماری آثار تاریخی ایران در وهله اول دارای مفهوم و هدف دینی و خصلت جادویی و دعایی است. طرح راهنما و شکل‌دهنده، نمادگرایی کیهانی بود که انسان به‌وسیله آن با نیروهای آسمانی انبازی و پیوند می‌یافت. این مایه، که تمام آسیا در آن معنا شریک



بود و حتی در عصر جدید هم دوام یافت، نه تنها به معماری ایران وحدت و استمرار بخشید، بلکه سرچشمه ماهیت عاطفی آن هم بود.^۵

گفتنی است در طی رشد تاریخی تمدن مسلمانان، مشابهت‌های مشخصی نیز در آثار معماری در جای جای ایران و جهان اسلام قابل مشاهده است. مانند اشارات ابن بطوطه به ظهور فضای متفاوت نیایش با عنوان زاویه در آفریقای مسلمان که آن را معادل مدرسه در ایران اسلامی می‌شمرد.^۶

فرهنگ و زبان پیامبر شهرسازی ایرانی

در فرهنگ فارسی نیز کلمات و لغاتی وجود دارد که ناخودآگاه حکایت از سلطه مدنیت و شار ایرانی بر غرب و گاه شرق دارد. از آن جمله می‌توان به کلماتی مانند کلمات زیر اشاره داشت:

۱. پره دئ او سه: پردیس که معادل آن فردوس در عربی و پارادایس در فرهنگ لاتین وجود دارد.

۲. پسوند «تان» برای روستا و حومه در برابر سرزمین بزرگ ایران زمین که منجر به اطلاق نواحی و کشورهای فعلی پیرامون ایران با این پسوند شده مانند قرقیزستان، افغانستان و... و نیز منجر به ساخت کلمه تاون (town) به معنای شهر کوچک و حومه در فرهنگ لاتین شده است.

۳. بازار: در فارسی میانه وازار (w'c'l) [r | za | wa]؛ در فارسی میانه مانوی w'c'r با ترکیه‌هایی چون وازارگ (بازاری)، وازارگان (بازرگان)، وازارگانیه (بازرگانی)، وازاربد (رییس بازار، ملک التجار رجوع کنید به کتیبه سه زبانه شاپور اول در کعبه زردشت، س ۳۵؛ ماریک، ص ۳۳۰، ۳۳۱؛ باک، ص ۲۶۵؛ ژینیو، ص ۳۵)؛ و نیز رستگ - ی - وازار r | za | rastag-i-wa (راسته یا رسته بازار رجوع کنید به دینکرد مدن، ص ۷۵۷). در پارتی وازار r | a | z | wa (درخت آسوریگ، ص ۷۶ - ۷۷، س ۱۰۴؛ ژینیو، ص ۶۶)، در پازند r | za | va؛ در ارمنی ar | vac از آن akan ar | vac (بازرگان رجوع کنید به هوبشمان، ۱۸۹۵، ص ۲۴۲)؛ در سغدی مانوی rn | n/w'c | w'c با گونه‌های مختلف در گویشهای محلی ایران (رجوع کنید به هرن و هوبشمان، ج ۱، ص ۲۱۹). این واژه احتمالاً از صورت مفروض ایرانی باستان * rana- | a | c | vaha *



گرفته شده، که ترکیبی است از < vaha - | waha | g * در فارسی میانه > «بها» در فارسی دری، از ماده wah-، از ریشه هند و اروپایی wes- * (خریدن)، بازمانده در صورتهای : vasn- و هندی باستان ؛ o | nos یونانی ؛ ve | ue | num لاتینی (بسنجید با vendre و vend در زبانهای فرانسه و انگلیسی) و جزء دوم آن c | a | rana- (بارتولومه، ستون ۵۸۱) از ریشه < ar- c § > پسوند r | -za در فارسی میانه و -زار در فارسی دری؛ مجموعاً به معنی جایگاه دادوستد (هینگ، ذیل w'c'rg'n؛ گرشویچ، ذیل شماره‌های ۳۵۶، ۳۹۲، ۳۹۹، ۱۰۲۸، ۱۲۲۰؛ بیلی، ذیل "bahoyšana"؛ بنونیست، ص ۱۲۵ و ۱۲۶؛ باک، ص ۲۶۵، ۲۶۶؛ هرن و هویشمان، ص ۲۱۹، ۳۰۲، ۵۵۸). این واژه ایرانی، از راه بازرگانی، از یک سو به عربی، ترکی عثمانی، و زبانهای اروپایی، و از سوی دیگر به زبان سرزمینهای هند و سیلان راه یافته است (بریتانیکا، ذیل "bazaar"). گفته اند که اشتهاار جهانی بازارهای قسطنطنیه (استانبول) در اشاعه این واژه میان زبانهای اروپایی سهمی داشته است (رجوع کنید به بلوخ و وارنبرگ، ذیل "bazar"). این واژه در عربی به صورت بازار؛ در ترکی به صورتهای بازار/ بازار؛ در فرانسه bazar و چند گونه دیگر؛ در اسپانیایی و پرتغالی bazar؛ در ایتالیایی bazaar (مایرلوپکه، ذیل همین واژه)؛ در انگلیسی از طریق ایتالیایی bazaar و چندین گونه دیگر؛ در زبان آلمانی basar؛ در زبان روسی bazar؛ در زبانهای صربی و مجاری از ۱۰۵۵/۴۴۷ v (p, r, r, r, r) | a | va | r (رجوع کنید به سکوک)؛ در هندی r | za | ba و در لحن عامیانه آن بزار/ بزار r | a | § r | baz | baza (< فرهنگ اردو، هندی و انگلیسی >)؛ ترنر، (< فرهنگ نیپالی - انگلیسی >)؛ در زبان مالایایی pazar (بریتانیکا، همانجا) دیده می شود.^۷

از آنجا که نخستین شواهد این واژه در زبانهای اروپای شرقی از قرن پنجم / یازدهم و در زبان فرانسه از ۱۴۳۲/۸۳۶، یعنی قبل از زبان پرتغالی ۱۵۴۴/۹۵۱ دیده شده است، (< گنجینه زبان فرانسه >، ذیل "bazar")، این تصور که پرتغالیها اولین بار این واژه را از هند به اروپا برده باشند بی پایه است. این شواهد نشان می دهد که بازار ایرانی با ویژگیهای خود زبانزد جهانیان بوده و واژه ایرانی بازار وارد بسیاری از زبانهای جهان شده است.



۴. چارسو: در ترکیه از روزگار عثمانیان به بازار سرپوشیده اصلی و بزرگ، چارشی çarşı یا چارشو گفته می‌شود که برگرفته از چارسو/ چهارسو/ چهارسوق فارسی دری و چهار سوگ g | c | aha | r-so فارسی میانه است، مانند علی پاشا چارشی سی در ادرنه، قَطرانچیلر چارشی سی در شهر قیصری، و اوزون چارشی سی در استانبول.

۵. سباط

۶. خان: واژه ای فارسی، کهنسال، و با معانی گوناگون و از آن جمله «سرای و کاروانسرای»، در واژگان بازار در ایران بیشتر کاربرد تاریخی دارد و در متون جغرافی نویسان اسلامی قرنهای چهارم و پنجم، برای بازار شهرهایی مانند ری، نیشابور، اهواز، و کازرون به کار رفته است. اما برای خانه‌های موجود در حوزه فرهنگ ایرانی که در سه قرن اخیر بنا شده اند از واژه «سرای» و «کاروانسرای» استفاده می‌شود. در جهان اسلام غلبه با استعمال اصطلاح خان است که در بسیاری از کشورهای عرب زبان و ترک زبان (مصر، سوریه، لبنان، فلسطین، عراق، عربستان، کویت، یمن، و ترکیه) به کار رفته است. در کشورهای شمال غربی آفریقا (لیبی، تونس، الجزایر، و مراکش) بنگاههای تجاری مشابه خان را با امکان اقامت موقت برای بازرگانان خارجی «فُنْدُق» می‌نامند. امروزه این واژه در مصر و دیگر ممالک غربی جهان اسلام به معنی مهمانسرا به کار برده می‌شود. برابری عمل خان و فُنْدُق را یاقوت در مُعْجَمُ الْبُلْدَان (ج ۳، ص ۹۱۸) و ابن بطوطه در رحله (ص ۷۲) متذکر شده اند (همچنین رجوع کنید به د. اسلام، ذیل فُنْدُق). ساختمان بعضی از فندقها مانند، فُنْدُقُ النِّجَارِین و فُنْدُقُ التَّطَوَانِیْن در فاس دارای ارزش هنری معماری هستند. اصطلاح دیگری که از آغاز قرن دهم در مصر و بعدها در ترکیه، لبنان، و تونس برای مراکز تجاری به کار گرفته شد «وِکَالَه» بود که واژه ای است عربی. این عنوان در پایان قرن هفتم هجری جای خود را به خان داد که قبلاً به مسافرخانه های بیرون شهری و حومه اطلاق می‌شد. سپس در قرن یازدهم خان به تنهایی و به تدریج همه وظایف و کارکردهای دارالوکاله، فُنْدُق و قیصریه را در داخل حصارهای شهر بر عهده گرفت و فندق دیگر کارش منحصر به پذیرایی از زائران و مسافران شد. در پایان قرن دوازدهم زمانی که کاملاً واژه وِکَالَه عربی بر خان فارسی غلبه کرده بود، هنوز در مصر، چهارده خان وجود داشته و کار می‌کرد. از



نیمه دوم قرن سیزدهم به بعد، یعنی بعد از سپری شدن روزگار عظمت و رونق بازارها، خانها وظیفه و اهمیت اصلی خود را از دست داده و محلی برای تولید انبوه و عرضه کالاهای ارزان قیمت شده اند (ویرت ، ۱۹۶۸ ، ۱۰۱-۱۲۸؛ ۱۹۷۴، ص ۲۲۶). خانها از لحاظ وسعت و خصوصیات معماری درجات گوناگون دارند، بعضی از آنها بسیار ساده (خانه ای خشتی با حجره‌های یک طبقه گرد یک حیاط کوچک) و برخی مانند خانهای بزرگ در قرنهای دوازدهم و سیزدهم در حلب و اصفهان و تهران و قزوین و اراک به صورت مجموعه های زیبا با معماری یکدست و منسجم ، حجره های متعدد، حیاطهای ایوان دار، دالانها، راهروها، و طاقنماهای مجلل اند، و بعضی دیگر مانند خان الخلیلی قاهره به مرور صورت یک شهرک تجاری ، با چندین بازار تخصصی ، به خود گرفته اند.

نام خانها، اغلب ، از نام کالاهای عمده ای که در آنها معامله می شده یا از نام بنیانگذار آنها گرفته شده است . خان به طور کلی شامل یک حیاط میانی است که حجره های به هم پیوسته گرد آن را گرفته است . تفاوت خانها بیشتر در شکل زمین ، تعداد طبقات ، و نوع ایوان و رواق و راهروهاست . معمول ترین نوع خان دو طبقه است . در بیروت ، استانبول ، و تبریز چندین خان سه طبقه هم دیده می شود. وکاله ها و فُنْدُقْها در قاهره و فاس و دیگر شهرها غالباً بیش از دو طبقه دارند.

۷. بیمارستان : و معادل آفریقایی آن مارستان!^۸

و کلماتی مشابه که مورد نظر این مقاله نیست.

نمونه اول: شیراز

سرآغاز دولت و تمدن شیرازی در شرق آفریقا به هزار سال پیش برمی گردد. در اواخر قرن چهارم هجری (۱۰ میلادی) در پی تحولاتی که مربوط به نواحی جنوبی ایران بوده است تعداد قابل توجهی از بازرگانان و دریانوردان ایرانی نخست از بندر سیراف (طاهری) و سپس از جزایر کیش و هرمز به سواحل شرقی آفریقا کوچ نمودند.



این مهاجرت به فرماندهی شخصی به نام علی بن حسین شیرازی (یا علی بن حسن) صورت گرفته که احتمال دارد از خاندان بویه (شاخه فارس) باشد. او با استقرار در کیلوا (در ساحل تانزانیای کنونی) و تصرف سواحل و جزایر اطراف آن (زنگبار یا زنج) در حد فاصل موگادیشو (مقدیشو) در سومالی کنونی تا سغاله (سوفالا) در موزامبیک که سراسر سواحل کشورهای کنیا، سومالی، موزامبیک، کومور و تانزانی را دربرمی‌گیرد و تأسیس مراکز حکومتی در لامو، مالیندی و چند جای دیگر، پادشاهی شیرازی‌ها را پایه‌گذاری کرد.

این دولت حدود پانصد سال پایدار بود؛ و کم‌کم با کاهش قدرت این پادشاهی و قدرت گرفتن حکومت‌های فاطمی، ایوبی، مملوک‌ها و عثمانی در مصر و شمال آفریقا دولت شیرازی‌ها تضعیف شد. سرانجام در اواخر قرن نهم هجری در پی هجوم پرتغالی‌ها در زمان ابراهیم، آخرین فرمانروای شیرازی به عمر آن خاتمه داده شد. دولت شیرازی شرق آفریقا نقش مهمی در توسعه مناسبات تمدنی آن سامان داشته و نیز پدیدآورنده فرهنگ و قومیت سواحیلی شده است.

فرهنگ سواحیلی که امروزه در شرق آفریقا وجود دارد و متشکل از عناصر گوناگون است، در گام اول حاصل امتزاج تمدن ایرانی و آفریقایی بوده است. بنابراین هم از نظر نژادی و هم از نظر زبان و آداب و رسوم می‌توان عناصر ایرانی قابل توجهی در آن سراغ گرفت.

به‌گونه‌ای که واژه‌های پارسی بسیاری در زبان سواحیلی کنونی وجود دارد؛ که در ارتباط با موضوع‌های اقتصادی، بازرگانی، اداری، معماری، نام، القاب و ... می‌باشد و با وجود گذشت صدها سال هنوز هم از آنها بهره برده می‌شود. برخی اصطلاحات سلسله مراتبی در قبایل آفریقایی تانزانی مانند شاه (sheha) و وزیر (waziri) که هنوز هم رواج دارد، یادگاری از پادشاهی شیرازی‌ها می‌باشد.

دستور زبان پارسی نیز بر سواحیلی اثرات بسیار زیاد و غیرقابل انکاری داشته است، از جمله در حروف صدا دار و بی‌صدا، و تأکیدات خاص صداها. همچنین ادبیات و اشعار سواحیلی از شاعران بزرگی مانند حافظ و خیام تأثیر پذیرفته است.^۹

زنگ و زنگی یک واژه فارسی است به معنی تیره‌رنگ، قهوه‌ای و سیاه، بار یعنی محل، کاخ مانند دربار و همچنین به معنی ساحل، کناره و کرانه (مثل: جویبار، رودبار، ارسباران ...) و در



مجموع زنگبار یعنی «ساحل سیاهان و یا سرزمین سیاهان». اعراب این کلمه را زنجبار تلفظ می‌کنند و اروپاییان نیز زنجبار را به زنجبار تغییر داده‌اند. ایرانی‌ها از دوره هخامنشی با این منطقه دادوستد تجاری داشته‌اند.

بعدها به‌ویژه در دوره بعد از اسلام و در سده سیزدهم میلادی مهاجران زیادی از شیراز و سیراف به زنگبار کوچیدند و در آنجا ساکن شدند.^{۱۰}

رواج تقویم ایرانی (هجری شمسی)، گسترش دین اسلام، پدیدآمدن سیستم حکومتی دولت‌شهر، برخی آداب و رسوم و جشن‌های ایرانی همانند عید نوروز در شرق آفریقا از دیگر اثرهای نفوذ تمدن و فرهنگ بزرگ ایرانی‌ها در آن جایگاه می‌باشد.

همچنین وجود دست‌نوشته‌های فارسی و آثار معماری به‌جای مانده از تمدن و دولت شیرازی در جزیره زنگبار و دیگر نواحی قابل توجه است. به‌علاوه در حدود هفتاد کیلومتری جنوب بندر ممباسا در کشور کنیا، شهر کوچکی وجود دارد به نام شیراز که آثار مهمی از مسجد و مقبره مربوط به دوره شیرازی‌ها در آنجا دیده می‌شود. یکی از این مساجد سنگی بوده و به سبک روزگار خاندان بویه می‌باشد.

هم‌اکنون نیز اقوامی در این منطقه به‌نام شیرازی‌ها زندگی می‌کنند که در جنگ‌های استقلال تانزانیا از انگلیس در شکل سازمانی به‌نام انجمن شیرازی (shirazi association) فعالیت بسیار و خستگی‌ناپذیری داشتند.

همه پژوهشگران از ایرانیان مهاجر به نیکی یاد کرده و آنان را عامل رشد و توسعه فرهنگی و اجتماعی کشورهای شمال و شرق آفریقا در گذر قرن‌های ۱۰ تا ۱۵ میلادی می‌دانستند. ایرانیان به سرعت در ژرفای روح و روان بومیان رسوخ کرده و پادشاهی دادگسترانه و بزرگی مبتنی بر مساوات، برابری، عدالت، تفاهم و تشریک مساعی (همانند حکومت هخامنشیان در شمال آفریقا) پدید آوردند که در نوع خود بی‌نظیر است.

دانش جامعه ایرانی و ایرانیان نسبت به تمدن و دولت شیرازی شرق آفریقا اندک است. اخبار این دولت در منابع قدیمی ایرانی به میزان کمی انعکاس یافته و تحقیقات دانشمندان غربی نیز در جامعه علمی ما معرفی نشده است. تعداد انگشت‌شماری کتاب و مقاله در پنجاه ساله اخیر



در این زمینه ارائه شده و تا حدودی نیز تحولات زنگبار در این دوره در عطف توجه ایرانی‌ها به تاریخ و تمدن شیرازی در شرق آفریقا موثر بوده است.^{۱۱}

الف. تشابهات فرم معماری

یکی از موارد قابل اشاره به تشابه‌های کالبدی معماری در دو نمونه ایرانی و آفریقایی برمی‌گردد.



تصویر ۲: بنای بازمانده از ایرانیان در شیراز زنگبار. با یک مناره



تصویر ۱: مسجد جامع نائین. با یک مناره . نمای ورودی. متعلق به دوره آل

بویه



تصاویر فوق و تصاویر بعدی نمونه‌هایی از تشابه معنادار این دو فرهنگ، فرهنگ ایرانی و فرهنگ آفریقایی را تأیید می‌کند. تصاویر فوق اشاره‌ای به تشابهات معماری و سیمای شهری و جزئیات وابسته به آن است. در تصاویر ۱ و ۲ می‌توان تشابه زیاد فرمی دو بنا را یکی در شیراز در آفریقا و دیگری در نائین - مربوط به قرن ۴ هجری - در ایران مشاهده نمود. مناره فرد، پخی‌های یالهای مناره، پلان منتظم مناره و نسبت مناره به حجم کناری در این دو نمونه کاملاً قابل مقایسه است.

ب. تشابهات در نگاه کاربردی به مصالح، و در تناسبات و مدولاسیون پنجره‌ها

می‌توان این نمونه را در تناسبات طلایی ایرانی در تاق کسری هم دنبال نمود. تصاویر زیر گویای بخشی از این شباهت‌هاست. تناسبات طلایی ایرانی و تبدیل پنجره‌های سه گانه در هر اشکوب به بازشوهای واحد در اشکوب پایین‌تر از شیوه‌های معمول در معماری ساسانی است. در تصاویر ۳ و ۴ نمونه‌هایی از تناسبات بازشوها (پنجره) در باغهای ایرانی آورده شده که نوع استفاده از چوب و نسبت فضاها پر و خالی و تا حدی جزئیات اجرا شباهت آن را با نمونه مشابه امروزی در جزیره زنگبار قابل بررسی می‌نماید.



تصویر ۴: سردر کوشک باغ ارم. شیراز. با استفاده از کتاب «ایران، کهنه نگین تمدن». مدل و تناسب پنجره ها قابل دقت و مورد نظر نگارنده بوده است. بنا گرچه متعلق به دوران متأخر است ولی باغ و احتمالاً کوشک آن ریشه در معماری دوره تیموری دارد.



تصویر ۳: سردر باغ ملی. تهران. با استفاده از کتاب «ایران، کهنه نگین تمدن». مدل و تناسب پنجره ها قابل دقت و مورد نظر نگارنده بوده است. بنا گرچه متعلق به دوران متأخر است ولی این مدول در سیمای شهری سابقه بس دیرین در ایران زمین دارد.



تصویر ۵: بنایی در زنگبار. به تناسبات پنجره ها دقت شود.



تصویر ۶: تصاویر تاق کسری کهن الگوی زیباشناختی سیمای معماری در عهد ساسانی



تصویر ۸: عکس در زنگبار. منبع اینترنت



تصویر ۷: عکس در زنگبار. منبع اینترنت



تصویر ۹: عکس در زنگبار. منبع اینترنت



تصویر ۱۰: عکس در کاروانسرای در بیرجند ایران. منبع: نگارنده



تصویر ۱۲: سرای بروجنی ها . اصفهان. آفریقا.
منبع: نگارنده

تصویر ۱۱: عکس دری در شهر فاس.
منبع : هنر اسلامی. نوشته باربر اباراند



تصویر ۱۳: حسینیه ای در بیرجند. منبع: نگارنده



ج. تأثیرپذیری طراحی ورودیها از نمونه‌های مشابه ایرانی

نمونه جالب دیگر تأثیرپذیری کاملاً محسوس درها از نمونه ایرانی در مقایسه با نمونه‌های آفریقایی است.

تفاوتهای آشکار درهای مذکور با نمونه مشابه مربوط به شهر آفریقایی فاس و مشابهتهای آشکار آنها با نمونه‌های ایرانی آنقدر وضوح دارد که نیاز به ارائه مدارک بیشتر را کمرنگ می‌کند.

د. استفاده از نمادها و شناسه‌ها در تزئینات

استفاده از ویژگی‌های مشخصاً ایرانی از دیگر مؤلفه‌های قابل بررسی در بقایای شهر شیراز است که ماندگاری فرهنگ ایرانی و اصرار و ابرام اهالی شیراز را به این فرهنگ یادآوری می‌کند.

عکس ۱۴. تصویر نشان‌دهنده طاقی چندان ایرانی نیست اما نشان سرو در گوشه سمت راست تصویر آشکارا عنصری ایرانی می‌نماید.



نمونه دوم : تاج محل

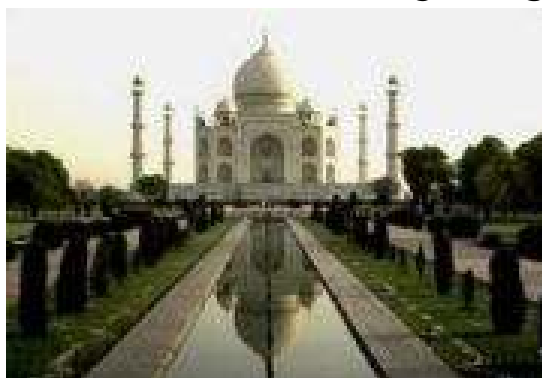
در پی تبادلات فرهنگی، هنری و سیاسی میان گورکانیان هند و صفویه، و وابستگی خانوادگی همایون، جهانگیر، ممتاز و سایر پادشاهان بابر به ایرانیان و خصوصاً حضور کسانی مانند استاد عیسی شیرازی نقشه‌نویس، استاد احمد معمار لاهوری و میرک میرغیاث الدین در خلق آثار ماندگار معماری و یا نقش بزرگان ایرانی در حوزه مدیریت مانند غیاث بیگ تهرانی، ابوالحسن آصف خان شاهد رواج زبان و هنر ایرانی در شبه قاره هستیم.

اوج این تأثیرات در بناهایی مانند تاج محل خودنمایی می‌کند که به وضوح از معماری ایرانی حتی در مقیاس معماری شهری و طراحی شهری بهره گرفته است. تصاویر زیر به برخی از این تأثیرات اشاره دارد.^{۱۲}

الف. تأثیرات در طراحی و جانمایی محوطه

باغ ایرانی با تقارن هندسی مشخص و قرارگیری کوشک به‌طور معمول در آکس هردو محور و یا در آکس یکی از دو محور یکی از مؤلفه‌های معماری و شهرسازی ایرانی شناخته می‌شود. باغ ایرانی از هخامنشی تا قاجار و تا قبل از ورود عنصر غربی پارک، یکی از عوامل شناسایی فرهنگ ایران زمین بوده است.

تأثیرپذیری تاج محل و نوع محوطه سازی اش از باغهای ایرانی قابل اشاره است.



تصویر ۱۵: تقارن در تاج محل



در تصویر فوق مشاهده می‌شود که علاوه بر تقارن حول محور عمودی بر ساختمان، معمار نمای معکوس و تصویر در آب را هم برای این بنا مد نظر داشته است. این در حالی است که این موضوع اساساً در سرزمین کم آب ایران جلوه خاص خود را دارد و معمار می‌توانسته با حذف آن ابتکاری دیگر را به کار بندد. خصوصاً که بنا در مجاور رودخانه جمنا قرار گرفته است و تصویر معکوس بنا حداقل در زمانهایی از رودخانه قابل مشاهده بوده است. این تاکید معمار بر استفاده از ترفندهای معماری ایرانی در محوطه سازی قابل بررسی است.

نکته دوم کرت بندیها و قطعه بندی های باغچه ها است که ساختاری مدولار و ایرانی دارد.



تصویر ۱۶. تاج محل و موقعیت رودخانه جمنا

ب. تأثیرات در جزئیات معماری

به کارگیری تزئینات مشابه در کفسازی از نمونه های قابل ذکر در زمینه تأثیرپذیری از معماری ایرانیست.



تصویر ۱۷. مقبره تاج محل، دید از بالا جزئیات کفپوشها مقایسه شده است.



تصویر ۱۸. سوگواری فرامرز بر تابوت پدرش رستم و عمویش، زواره، شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ق



تصویر ۱-۱۸. جزئیات کفپوش اتاق

البته معمار با هوشمندی در تنوع اقلیم، تنوع مصالح را به کار برده . سعی کرده تفاوت‌های فرهنگی و اقلیمی دو سرزمین را با تفاوت در مصالح و تفاوت‌هایی در فرم تبدیل به فرصتی در



طراحی نماید. ترصیع در بافت نازک کاری سنگی بدنه و فرم پیازی شکل گنبد از جمله این تفاوتهاست. تفاوت در ساقه گنبد و فرم متفاوت مناره در این بنا که تبدیل به اتاقکهای قابل رفت و آمد شده است و نگاه برون‌گرایانه فرم از تفاوتهای جدی این نوع از معماری با معماری درون‌گرایانه ایرانی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ر.ک. اطلس تاریخ ایران، سازمان نقشه برداری کشور، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۱ تا ۱۴.
۲. اطلس تاریخ ...، ص ۱۴ تا ۱۸.
۳. اطلس تاریخ ...، ص ۳۳ تا ۳۷.
۴. اطلس تاریخ ...، ص ۴۷ تا ۴۹.
۵. ۱. پوپ، معماری ایران، ص ۹.
۶. ر.ک. شهرهای عربی-اسلامی، اصول شهرسازی و ساختمانی، بسیم سلیم حکیم، ص ۲۲۰-۲۱۴.
۷. درخت آسوریگ: متن پهلوی، آوانوشت، ترجمه فارسی، فهرست واژه‌ها و یادداشتها از ماهیار نوایی، تهران، ۱۳۴۶ ش؛ و محمدجواد مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، تهران، ۱۳۵۷ ش؛ و محمدجواد مشکور، فرهنگ هزوارشهای پهلوی، تهران، ۱۳۴۶ ش؛ و پاول هرن و هاینریش هوبشمان، اساس اشتقاق فارسی، ترجمه جلال خالقی مطلق، تهران، ۱۳۵۶ ش.
۸. ر.ک. شهرهای عربی-اسلامی ...
۹. ر.ک. مقاله «پادشاهی شیرازی‌ها» در تارنگار (وبلاگ) آریوبرزن.
۱۰. ر.ک. ویکی پدیا، زنگبار.
۱۱. ر.ک. مقاله «پادشاهی شیرازی‌ها» در تارنگار (وبلاگ) آریوبرزن.
۱۲. ر.ک. نشریه هنرهای تجسمی، شماره ۲۲، اردیبهشت ۸۴، گزارش شاهکارهای نگارگری ایران.

منابع

- آزاد، میترا، معماری ایران در قلمرو آل بویه، انتشارات کلیدر، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- اطلس تاریخ ایران، سازمان نقشه برداری کشور، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ایران کهنه نگین تمدن، هنرهای گویا، چاپ پنجم.
- برنر، باربارا، هنر اسلامی، ترجمه دکتر مهناز شایسته فر، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- حکیم، بسیم سلیم، شهرهای عربی-اسلامی، اصول شهرسازی و ساختمانی، ترجمه محمدحسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم، چاپ اول، بهار ۸۱.
- درخت آسوریگ: متن پهلوی، آوانوشت، ترجمه فارسی، فهرست واژه‌ها و یادداشتها از ماهیار نوایی، تهران، ۱۳۴۶ ش.
- سلطانزاده، حسین، تداوم طراحی باغ ایرانی تاج محل، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- صابر مقدم، فرامرز، مجموعه معماری آرامگاهی «مزار شیخ احمد جام»، چاپ اول، پائیز ۸۳.



- مشکور، محمدجواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، تهران، ۱۳۵۷ ش.
- _____، فرهنگ هنرهای پهلوی، تهران، ۱۳۴۶ ش.
- هرن، پاول و هاینریش هوبشمان، اساس اشتقاق فارسی، ترجمه جلال خالقی مطلق، تهران، ۱۳۵۶ ش.
- Dehli Agra & Jaipur, Glorreiche Stadte, Rupinder Khullar, 2003.